

تبیین تغییرات و تحولات کارکردی نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد با تاکید بر سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۷

دکتر فرهاد امام جمعه*

سمیه کریمی‌زاده اردکانی**

چکیده

مقاله حاضر به تبیین تحولات کارکردی نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد در طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۸۷ پرداخته است و درصدد آن است تا اثرات تغییرات اجتماعی روی تنوع کارکردهای نقش اجتماعی زنان را بشناساند. این تبیین با چهارچوبی نظری مبنی بر استفاده از نظرات «بلمور»، «هومنز»، «پارسونز»، «مرتن» در بستر نظریه تغییر اجتماعی صورت گرفته است. نویسنده در طول کار از دو روش اسنادی و میدانی استفاده کرده‌اند تا بتوانند حداقل یک نسل را نیز از سال ۴۵ تا ۸۷ به نمایش گذاشته باشند. هر چند نتایج هر دو قسمت پژوهش حاکی از پویایی زن امروز یزدی و آگاهی او از مسیر خردگرایی است و میزان تحصیلات زنان در حال بالا رفتن است اما تغییرات اجتماعی در حالی که شیوه زندگی و روابط اجتماعی آنان را تغییر داده است، مشکلات و نگرانی‌های بسیاری را نیز به زنان تزریق کرده است. به اعتقاد نویسندگان زن امروز یزدی به طور اجتناب‌ناپذیری در حال انتقال از روش زندگی سنتی به مدرن است و تصمیمات و انتخاب‌های او نیز متناسب با پیشرفت و تغییرات اجتماعی رشد کرده است. تغییرات نقش زن وضعیت تسلسلی خواهد داشت و از این نسل زن، نسل‌های پر مساله‌تری در آینده به وجود خواهد آمد که اگرچه تغییر نقش‌های او توجه نشود پدیده‌های جدیدی را در جامعه به وجود خواهد آورد و بر ساختار بزرگ‌تر نهادهای اجتماعی ما تاثیرگذار خواهد بود.

واژگان کلیدی: تغییر اجتماعی^۱، ارتقاء اجتماعی کارکردی^۲، نابرابری اجتماعی^۳، و مشارکت^۴.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

1. Social Change
2. Function
3. Social Inequality
4. Participation

مقدمه

زنان نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند و بخش عمده‌ای از کارکردهای خانواده را بر عهده دارند. زنان همچنین از عوامل عمده جامعه‌پذیری فرزندان محسوب می‌شوند. علی‌رغم کارکردهای حیاتی این قشر، آنان در طول تاریخ چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند و همواره در کنار اقشار آسیب‌پذیر جامعه قرار داشته‌اند. ورود زنان به عرصه‌های جدید زندگی اجتماعی که پیشینه آن به انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی باز می‌شود، زمینه‌ای برای ورود آنها به تجربه‌های کاری در خارج از محیط منزل شد. البته بسیاری از زنان ناچار شدند برخی از کارکردهای خود همچون کارکرد تربیتی و آموزشی را به نهادهای دیگر که آرام آرام در حال شکل‌گیری بود واگذارند. تجربه زندگی اجتماعی و آگاهی از شرایط زیست‌بهنه، زنان را ترغیب به احقاق حقوق خود کرد و زمینه‌های گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تغییر کارکردهای ساختاری و غیرساختاری آنها را فراهم ساخت. با تحول سریع و عمیقی که در نقش اجتماعی زنان با عمومیت یافتن تحصیل و آموزش و مشارکت جدی اقتصادی و سیاسی آنها صورت گرفته است، می‌توان بنیادی‌ترین گام برای توضیح این تحول را کنش‌هایی دانست که زنان از خود نشان می‌دهند.

تنوع کارکردهای نقش اجتماعی زنان در بستر تغییر اجتماعی و تحولات فرهنگی صورت گرفته در ایران اتفاق افتاده است. تغییر قانون، طبیعت است و بر آن اساس فردا با امروز متفاوت خواهد بود. ساختار اجتماعی جامعه در معرض تغییرات بی‌وقفه است و البته می‌توان اشاره کرد که این تغییرات تحت شرایط خاص جغرافیایی و فرهنگی خاص ممکن است سریع ولی در جامعه دیگر کند باشد. در سالیان اخیر ابعاد مختلف خانواده در ایران تحت تاثیر فشار سنت‌های فرهنگی و نیروی تغییرات اجتماعی دست به تجدید ساختار خویش زده است. ارزش‌های خانوادگی و هنجارهای موجود در خانواده و روابط زن و مرد با تغییرات جدید همساز شده‌اند. مسلم است که شناخت تنوع کارکردی نقش زن در خانواده ایرانی با توجه به پتانسیل عظیم موجود، گره‌های ناگشوده جامعه را باز خواهد کرد. اگرچه به ظاهر موضوع جامعه‌شناسی زنان و تغییرات کارکردی آنان به ویژه اشتغال و کارکرد اقتصادی زنان تا حد قابل توجهی پیشرفت کرده است و موضوع بسیاری از پایان‌نامه‌ها و کتب و مقالات قرار گرفته است، اما تاکنون به تبیین تغییرات و تحولات کارکردی نقش اجتماعی زنان و تنوع آن در طی یک نسل با مطالعه اسنادی و میدانی پرداخته نشده است و سوالات مفروض ذیل بدون پاسخ مانده‌اند:

- آیا تغییرات اجتماعی جامعه ایران ۸۷-۱۳۴۵ توانسته است روی تنوع کارکردی نقش اجتماعی زن جامعه شهری یزد تاثیرگذار باشد؟
- آیا زمینه تحول کارکرد اجتماعی- فرهنگی جامعه در طی مدارج تحصیلات رسمی زنان در تغییر کارکردهای نقش اجتماعی ایشان در طی سال‌های ۸۷-۱۳۴۵ موثر واقع شده است؟
- آیا زمینه تحول کارکرد اقتصادی جامعه ایران در ایجاد مشاغل رسمی و متنوع زنان (۸۷-۱۳۴۵) در تغییر کارکرد نقش اجتماعی ایشان تاثیر داشته است؟
- آیا زمینه‌های کارکرد فرهنگی جامعه در شناخت هویت زنان یزدی نسبت به موقعیت و وجهه اجتماعی خود، در تغییر کارکرد نقش اجتماعی آنان موثر واقع شده است؟

- آیا زمینه‌های کارکردی فرهنگی جامعه ایران در طی سال‌های (۱۳۸۶-۱۳۴۵)، در تحول عقلانی و حرکت به سمت عام‌گرایی، فعال‌گرایی و خردگرایی و جهت‌گیری‌های جمعی کارکردهای نقش اجتماعی زنان موثر بوده است؟

- آیا زمینه کارکرد سیاسی جامعه ایران (۸۷-۱۳۴۵) در تغییر کارکرد نقش اجتماعی زنان جامعه یزد موثر بود و دخالت داشته است؟

- آیا انقلاب و دگرگونی سال ۱۳۵۷ در تغییر کارکرد نقش اجتماعی زنان یزد طی سال‌های ۵۷ تا ۸۷ تاثیر به‌سزایی داشته است؟

باید این مطلب را نیز عنوان کرد که محقق برای سهل‌تر کردن ورود به جامعه توده زنان یزدی تلاش کرده تا با شاخص‌سازی سوالات را باورپذیرتر نماید.

مراد محقق از «تغییرات» جامعه ایران در سوال یک، بر اساس محورهای زیر عبارتند از:

* تغییرات کارکرد فرهنگی: ۱- تغییر انتظارات و انگیزه به پیشرفت ۲- تغییر ارزشها و هنجارها ۳- تغییر فرهنگ تغذیه

۴- روند رو به رشد بهداشت جسمانی و روحانی ۵- تغییرات خانواده (سن ازدواج زنان و ...) ۶- آشنایی به حقوق

* تغییرات کارکرد اقتصادی: ۱- فعالیت‌های اجتماعی رسمی زنان ۲- مدیریت زنان در عرصه‌های مختلف ۳- تنوع مشاغل زنان

* تغییرات کارکرد اجتماعی: ۱- آموزش رسمی زنان ۲- جهانی شدن (گسترش ارتباطات، مجازی شدن ارتباطات

* تغییرات کارکرد سیاسی: ۱- رشد شهرنشینی و تغییر ریخت شهرها ۲- مشارکت سیاسی

مراد محقق از کارکرد نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد به عنوان پدیده تحت تاثیر با توجه به شاخص‌های زیر دسته‌بندی می‌شود:

عامل فردی: ریسک‌پذیری، تمایل فردی، جنسیت و تغییر رفتار، زن در فضای خصوصی (مدیریت‌خانه)، کنترل منابع و تصمیم‌گیری اساسی

عامل اجتماعی: رضایت همسر، نقش زنانگی و مادری و امور منزل، تحرک اجتماعی، تقسیم‌بندی قدرت، تعداد فرزندان.

عامل سیاسی: قوانین، دستورالعمل‌ها، دیدگاه مسئولین، احزاب سیاسی، سازمان غیردولتی

عامل فرهنگی: باورها، کلیشه‌های جنسیتی، ارزش‌ها، هنجارها، فرهنگ اجتماعی، پذیرش تغییر رفتار.

عامل اقتصادی: وضعیت اقتصادی جامعه، درآمد زن و همسرش، استقلال مادی زنان، افتتاح حساب در بانک‌ها، اولویت مصرف درآمد زنان

ملاک محقق از «هویت زنان» نسبت به موقعیت اجتماعی شان عبارتند از: بررسی مواردی که در شاخص‌های زیر آمده است: ۱- شجاعت ارتباطی ۲- توانایی شغلی ۳- اعتماد به نفس اجتماعی و اخلاقی

۴- انتظارات زنان در زمینه‌های اعتقادی، خانوادگی - تربیتی، مالی-اقتصادی و ... ۵- خود باوری انسانی ۶- آشنایی به حقوق فردی و اجتماعی زنان

جنبش‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی در ایران طی سال‌های زیر تقسیم می‌گردد:

۱- سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۷، ۲- سال ۱۳۵۷ و ۳- سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۸۷

تاکنون مطالعات مختلفی به بررسی سیر تحول تغییر نقش اجتماعی زنان پرداخته‌اند. (شادی طلب ۱۳۸۱، سارالانگه ۱۳۷۲، مارلین فرنچ ۱۳۷۳، جوکار ۱۳۸۳، صیدی ۱۳۸۵، حاجیان ۱۳۷۹، حافظیان ۱۳۸۰). یافته‌های این مطالعات بر نقش عوامل حقوقی، (صیدی ۸۵)، عوامل و آثار انقلاب (حافظیان ۱۳۸۰)، تاثیر جنبش‌ها روی تغییر نقش‌های زنان (حاجیان ۱۳۷۹)، عوامل موثر بر چالش‌های توسعه‌ای در پیشرفت زنان (شادی طلب ۸۱)، تواناسازی زنان با تاکید بر برابری زن و مرد (لانگه ۱۳۷۲)، پدرسالاری و توسعه نیافتگی زنان (مارلین فرنچ ۱۳۷۳) تاکید کرده‌اند. اگرچه مطالعات مذکور تلاشی ارزشمند برای درک برخی از علل شناسایی نشدن تنوع نقش‌های زنان بوده است. اما تبیین تغییرات و تحولات کارکردی نقش اجتماعی زنان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. درک این تبیین در جامعه شهری یزد با مطالعات میدانی و بررسی این مقوله در طی یک نسل ۸۷-۱۳۴۵ خواهد توانست مشاوره علمی خوبی جهت تصمیم‌گیری برای جامعه بزرگ زنان- که مسلماً تغییرات اجتماعی به طرز غیرقابل باوری روی اندیشه‌ها و کارکردها و الگوهای رفتاری و تکاملی فرهنگی آنها اثرگذار بوده است، ارائه دهد.

در این مقاله با تاکید بر نقش محوری زن در خانواده، به بررسی تغییرات همه جانبه جامعه ایران از تغییرات اجتماعی تا اقتصادی و فرهنگی - سیاسی و البته عوامل و موانع مادی و معنوی پیشرفت کارکردهای نقش اجتماعی زنان پرداخته شد تا با در نظر گرفتن این سیر تحول به دگرگونی‌های تاریخی ایران و تاثیرات آن نیز اشاره شود و تغییر نگرش‌های زن امروز یزدی را نیز به نظاره بنشینند. پس از طرح چهارچوب نظری تحقیق، به ویژگی‌های جامعه شهری یزد نیز اشاره شده و بعد از آن با ارائه روش تحقیق به داده‌های اسنادی و میدانی پرداخته خواهد شد و در نهایت به نتیجه‌گیری از کل کار خواهیم پرداخت.

نویسندگان بر این باورند که هر چند مطالعه حاضر به صورت محدود از جامعه شهری یزد صورت گرفته است اما به سبب ویژگی‌های جمعیتی یزد، تحلیل‌ها و نتایج حاصل از آن، برای سایر نقاط کشور که برخوردار از هویت تاریخی و فرهنگی و شرایط سیاسی و اجتماعی مشترک بوده است، متناسب خواهد بود.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این تحقیق با تلفیقی از نظریات «بلومر»، «هومنز»، «پارسونز» و «مرتن» است. به عقیده جرج هومنز «انسان برای تکرار یک رفتار نیز میزان سود دریافتی و هزینه پرداختی را مقایسه می‌کند، اگر دریابد که سود دریافتی بیشتر از هزینه پرداختی است رفتار و کنش خود را تکرار خواهد کرد، در غیر این صورت رفتار تکرار نخواهد شد» (توسلی، ۱۳۸۰؛ ۲۵۸).

در واقع نوع باور و گرایش زنان نسبت به رفتارهای اجتماعی‌شان و مشارکت‌های مختلف زن در خانواده تحت تاثیر سود و زیان ناشی از وضع اجتماعی‌شان است. یعنی اگر آن وضعیت اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ... برای زنان سودآور باشد، زنان نسبت به آن گرایش و جهت‌گیری مثبتی خواهند داشت و در غیر این صورت منفی خواهد شد. هومنز می‌گفت: «جامعه‌شناسان دگرگونی نهادی را باید مورد تبیین قرار

دهند ولی هر گونه تبیین دگرگونی باید مبنای روان‌شناختی داشته باشد» (ریتزر، ۱۳۸۱؛ ۴۲۲). هومنز جامعه‌شناسی راستین را بر مبنای اصول روان‌شناختی استوار می‌داند.

همچنین بلومر با نظریه کنش متقابل نمادین بر این اصل که انسان‌ها بیشتر از آنکه در برابر اعمال یکدیگر صرفاً واکنش نشان دهند، اعمال یکدیگر را تعبیر یا تفسیر می‌کنند و بر اساس معنایی که به آن اعمال نسبت می‌دهند واکنش خود را تنظیم می‌کنند. (تنهایی، ۱۳۸۳: ۴۴۶) بلومر همچنین معتقد است که انسان در مورد کارهایش و نتایج کارهایش فکر می‌کند و به عبارتی با خود مشورت می‌کند و از این طریق در مورد سودمندی کار و علم خود قضاوت می‌کند و سپس بر مبنای این قضاوت تصمیم‌گیری می‌کند، به عبارت دیگر او اعتقاد دارد که انسان‌ها بر پایه تفسیری که از موقعیت می‌کنند می‌توانند معانی و نمادهایی را که در کنش‌ها یا کنش‌های متقابلشان به کار می‌برند، تعدیل کنند یا تغییر دهند. (ریتزر، پیشین: ۲۸۱) و از آنجا که بلومر به عوامل شش‌گانه موثر بر فرایند اجتماعی شدن توجه دارد (تنهایی، پیشین؛ ۴۱۵) - والدین^۱، دیگر مهم^۲، گروه همسالان^۳، مدارس^۴، مجامع عمومی^۵، رسانه‌ها و ارتباط جمعی^۶ - پس زن به عنوان یکی از والدین خواهد توانست در جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن فرزندانش دخیل باشد.

مرتین از دو مقوله «کارکرد آشکار^۷» و «کارکرد پنهان^۸» سخن می‌گوید. کارکردهای آشکار آنهایی هستند که با قصد قبلی صورت می‌گیرند، در حالی که کارکردهای پنهان بدون قصد قبلی انجام می‌گیرند. یک کارکرد پنهان هر چند که نوعی پیامد پیش‌بینی نشده است، اما پیامدی است که برای یک نظام معین خاصیت کارکردی دارد، پیامدهای پیش‌بینی نشده، دو نوع دیگر نیز دارد: نوعی که برای یک نظام معین، کژ کارکرد آشکار و پنهان دارد و نوعی که خاصیتی برای نظام ندارد؛ یعنی نه تاثیر کارکردی بر آن می‌گذارد و نه تاثیر کژ کارکردی. در واقع پیامدهای فاقد کارکردند، مرتین در توضیح بیشتر تبعیض علیه زنان را مثال می‌آورد و می‌گوید که این تبعیض حتی برای آن گروهی که کارکرد دارد، بدون کژ کارکرد هم نیست. مردان نیز از تبعیض شان علیه زنان دچار خسارت می‌شوند. مرتون بر این نظر است که نمی‌توان گفت همه ساختارها برای کارکرد نظام اجتماعی گریز ناپذیرند. برخی از بخش‌های نظام اجتماعی مان را می‌توان حذف کرد. برای مثال جامعه ما می‌تواند با حذف تبعیض علیه گروه‌های گوناگون اقلیت، همچنان ادامه حیات دهد (و حتی بهبود یابد) (ریتزر، پیشین، ۱۵۰).

پارسونز که اجزای سازنده نظریه کنش او در برگیرنده چهار نظام کنشی - اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی، ارگانیک رفتار - است (همان، ۱۳۲) معتقد است: از پیش نیازهای کارکردی، این است که هر جامعه‌ای باید برای برخورد با محیطش روش‌های مناسبی داشته باشد. هر جامعه‌ای باید روش کارآمدی

-
1. Parents
 2. Significant Other
 3. Peergroup
 4. Formal Education
 5. public
 6. Mass Media
 7. Manifest function
 8. Latent function

برای برقراری روابط جنسی داشته باشد. روابط جنسی زن و مرد باید چنان شکلی داشته باشد که هر دو جنس فرصت‌های کافی برای کنش متقابل داشته باشد. وانگهی؛ هر دو جنس باید انگیزش لازم را برای تولید مثل به میزان متناسب برای بقای جامعه داشته باشد، از طرفی جامعه باید مطمئن باشد که به اندازه کافی آدم در اختیار دارد و آدم‌هایش علایق و مهارت‌های گوناگون مورد نیاز برای جامعه را داشته باشند (همان، ۱۳۸). همچنین با اشاره به ۵ متغیر الگویی پارسونز-عاطفی بودن در برابر خنثی بودن، جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری فردی، عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، کیفیت ذاتی در برابر جنبه عملی، ویژه بودن در برابر پراکنده بودن قرار دارد (تنهایی، پیشین: ۱۹۳) او در واقع درصد نشان دادن تکامل مورد نظر خویش است. پارسونز رخداد تکامل را مرحله به مرحله می‌انگارد، اما از یک نظریه تکاملی تک خطی پرهیز می‌کند: «ما تکامل اجتماعی را یک فراگرد پیوسته یا تک خطی ساده نمی‌دانیم و با آن که میان سطوح گسترده پیشرفت تمایز قائلیم، اما تنوع‌های چشمگیر هر یک از این سطوح را ندیده نمی‌گیریم (ریترز، پیشین: ۱۴۳۰).

پیش از بررسی قضایا باید آنچه را که تحت عنوان شاخص فرضیه‌ها (پرسش‌های مفروض تحقیقاتی) در نظر گرفته شده است را ذکر کنیم، و سوالات اصلی مقالات را این گونه مطرح کنیم که، تغییرات اجتماعی را چه عواملی به وجود می‌آورد و این پدیده روی خواسته‌های زنان چه اثراتی می‌گذارد؟ به واقع نیروی محرکه عمده تغییرات اجتماعی چیست؟ آیا جهتی برای تغییرات اجتماعی وجود دارد این جهت برای زنان و مردان متفاوت است؟

در پاسخ به این سوالات می‌توان گفت: «تغییرات اجتماعی تحول و دگرگونی در الگوهای رفتاری، فرهنگ و ساختار جامعه طی زمان است.» (شیخی، ۱۳۸۳: ۵) این تغییرات همان تکامل مدنظر پارسونز نیز است، نظریه تکامل و پویایی اجتماعی پارسونز مبتنی بر حرکت جوامع از سنتی به صنعتی مویده تعریف فوق است. با جهانی شدن اقتصاد و سرعت تغییرات اجتماعی از سه دهه پیش به این سو بسیاری از کشورهای جهان موانع اقتصادی را از سر راه خود برداشته‌اند، با عوامل گوناگونی چون تبعیض علیه زنان مبارزه کرده‌اند، سعی کرده‌اند تا اقتصاد جهانی را با داشتن نیروهای انسانی از هر دو جنس زن و مرد، خود را به جامعه جهانی نزدیک کنند. انتقال و همه جایی شدن کالاهایی مثل مک دونالد، کداک و کوکاکولا و غیره زمینه‌های فرهنگی نزدیک به یکدیگر را به دنبال آورده است. گسترش وسایل ارتباط جمعی در تمام خانواده‌ها، گردشگری که بین خانواده‌ها رایج شده، مهاجرت‌ها و پناهندگی‌ها و غیره جهانی شدن فرهنگی را نیز تقویت کرده است.

گسترش سیستم‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های تلویزیونی جهانی نظریه دهکده جهانی مک لوهان مربوط به دهه ۱۹۶۰ را به اثبات می‌رساند. زمانی که در آن نزدیک شدن فرهنگ‌ها به یکدیگر اجتناب ناپذیر است (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۴۵). نویسندگان اثرات تغییرات اجتماعی در جامعه ایران را در طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۸۷ بررسی کرده‌اند. در واقع تغییرات کارکرد نقش اجتماعی زنان را در سه دوره سال‌های ۵۷-۴۵، سال ۵۷ (وقوع انقلاب) و از سال‌های انقلاب تا امروز. تغییرات همه جانبه از مهاجرت‌های مردم در دهه ۴۰ با افزایش قیمت نفت و تحول آموزش و فرهنگ مردم آغاز شد و به انقلاب و بعدها جنگ و دوران اصلاحات و

دوران کنونی رسید و وضع زنان را بسیار متغیر و با تنوع نقش‌های آنها همراه کرد. نویسندگان معتقدند که این تغییرات، در زمینه تغییر انتظارات زنان، تنوع مشاغل رسمی آنها، تغییر ارزش‌ها و هنجارها، تغییرات تغذیه‌ای آنها، تغییرات تصمیم‌گیری‌های خانواده و مشارکت سیاسی زنان قابل بررسی است.

روش تحقیق

از آنجا که این پژوهش به تبیین تغییرات و تحولات نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد در طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۷ می‌پردازد. موضوع تحقیق در قسمت میدانی بر رهیافت کنونی قرار می‌گیرد؛ زیرا در حال بررسی موضوع در میان زنان امروز یزد است، به علاوه از آن جایی که نویسندگان، موضوع انتخابی را در یک دوران تاریخی (۸۶-۱۳۴۵ ه.ش) نیز بررسی می‌کنند و درصدد آن هستند که به روندها و گرایش‌هایی در تغییر و تحول پدیده در طول زمان پی ببرند. در چنین شرایطی استفاده از روش تاریخی مبتنی بر مطالعه اسناد و مدارک کتابخانه‌ای اعم از منابع دست اول (و بیشتر دست دوم) در دستور کار پژوهشگران قرار می‌گیرد که این اهم نیز به عنوان روش تحقیق مکمل به کار گرفته شده است.

در ارتباط با طرح تحقیق، این پژوهش شامل مطالعه موردی است. آنچه که در مطالعه موردی ملحوظ است و بسیار مهم نیز است، این است که طرح تحقیق، به صورت ژرفانگر، موضوع تحقیق را مورد کاوش قرار می‌دهد و راه را برای پژوهشگر باز می‌گذارد تا امکان این را داشته باشد از تمامی زوایا، موضوع تحقیق را عمیقاً مورد کنکاش قرار دهد (تنهایی، ۱۳۷۵: ۱۲۸).

نگرش موجود در تحقیق «میک آ» یا رهیافت از درون است. در این رهیافت باید رفتار افراد مورد بررسی را بر حسب تعریفی که خود آنها از رویدادها و کنش‌های مختلف می‌کنند، مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

بنیاد این تحقیق به روش میدانی انجام گرفته است، در این روش، محقق مقوله‌هایی همچون رفتار، عمل، فعالیت، مناسبات، رفتارهای کلامی، وضعیت روانی و ... را در هر یک از فضاها خاص مورد بررسی قرار داده است (بیکر، ۱۳۷۷: ۲۸۵).

فن تحقیق بر اساس روش تحقیق است (تنهایی، پیشین: ۱۰۸) فن مورد استفاده در این تحقیق به صورت مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ای است. نویسندگان بر این نظرند که جهت بررسی تغییر کارکردی رفتار اجتماعی حداقل یک نسل زمانی لازم است. گذر و تغییر نسل از دهه ۴۵ تا کنون در نظر گرفته شده است. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها، از تکنیک روشمند تحلیل محتوا استفاده شده و اطلاعات حاصله بر اساس چهارچوب نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جامعه و نمونه آماری

تعداد افراد جامعه آماری در این تحقیق ۲۵ نفر از زنان متأهل شهر یزد است. جهت نمونه‌گیری شهر به ۵ منطقه جغرافیایی (خوشه) تقسیم شده است و از هر منطقه ۵ نفر به صورت منظم انتخاب شده است.

لازم به توضیح است که این پژوهش میان ۹۸ خانواده موجود در این ۵ منطقه انجام شده است که نمونه ۲۵ تایی از آنها گرفته شده است.^۱ حجم نمونه در روش کیفی باید به اندازه‌ای باشد که اشباع نظری حاصل گردد (ربانی، شیری، ۱۳۸۷: ۸) در مطالعه حاضر این مبنا مورد توجه قرار گرفته است.

* ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی یزد:

یزد طی چند دهه گذشته تحولات جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی نسبتاً مشابهی را با روندهای مشاهده شده در کل کشور تجربه کرده است. از نظر روندها و شاخص‌های عمده جمعیتی، تقریباً همسو و هم زمان با تکامل گذار جمعیتی در کل کشور، این شهر نیز مرحله انتقالی خود را تجربه کرده است. استان یزد از نقطه نظر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نیز در زمره استان‌های توسعه یافته ایران قرار می‌گیرد. به طوری که در میان استان‌های مختلف کشور، رتبه پنجم توسعه انسانی را در کشور به خود اختصاص داده است (مرکز آمار ایران). یزد با برخورداری از چندین ویژگی متمایز، محیط مناسبی را برای مطالعه حاضر فراهم می‌کند. جمعیت یزد برخلاف نقاط دیگر کشور، جمعیتی همگون است و تنوعات قومی در آن وجود ندارد. بر اساس آمار سال ۱۳۸۵، حدود ۹۹/۲۵ درصد از جمعیت استان را مسلمانان تشکیل می‌دهند و اکثریت قریب به اتفاق آنها شیعی مذهبند، اکثریت آنها فارسی زبانند. مورد دیگر اینکه با وجود اینکه این شهر، یکی از مناطق توسعه یافته را داراست، هنوز بسیاری از ویژگی‌های سنتی فرهنگ خود را حفظ کرده است. از آنجا که اجزا و مولفه‌های فرهنگ چهارچوب اولیه‌ای را برای انطباق خانواده با تغییرات جدید ایجاد می‌کنند، حفظ این عناصر فرهنگ سنتی باعث شد، تا برخی از ارزش‌های خانوادگی به کندی تغییر کنند. تداوم نقش محوری سنت‌ها و اصول مذهبی در زندگی فردی و خانوادگی سبب شده است برخی از الگوهای سابق و عناصر مهم حیات خانوادگی همچنان پابرجا باقی بمانند. پس با این اوصاف به نظر می‌رسد نتایج تحقیق قابل تعمیم به کل زنان ایرانی و یزدی است.

یافته‌ها (اطلاعات)

از آنجا که اطلاعات در دو قسمت اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده است، پس در دو بخش به بررسی اطلاعات می‌پردازیم.

الف) پایگاه زنان در جامعه ایران در طی دهه‌های اخیر تحولاتی را تجربه کرده است که از دیدگاه‌های توسعه زمان خود تبعیت کرده است. توده زنان که در حاشیه مناسبات اجتماعی و سیاسی نگه داشته

۱. این تعداد نمونه با استفاده از کتاب "روش تحقیق در انسان‌شناسی" نوشته پلتو به دست آمده است. لندی در مورد اجتماع ال کامینو از ۱۱۳ خانواده ۱۸ خانوادگی را برگزید یعنی تقریباً ۱۵/۹ درصد. محقق این پژوهش از میان ۹۸ خانوار در ۵ منطقه یزد ۱۵۲ زن سرشماری نمود و با حساب ۱۵ درصد جمعیت نمونه ۲۳ نفر می‌شد (پلتو، ۱۳۷۵: ۳۰۳).

۲ با استناد به کتاب "روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی" اثر ارل بی، دستورالعمل کلی برای طرح خوشه‌ای عبارت است از: به حداکثر رساندن تعداد خوشه‌های انتخاب شده و کاهش تعداد عنصرهای درون هر خوشه. او می‌نویسد: محققان جمعیت را به طور متعارف از هر خوشه ۵ خانوار را انتخاب می‌کنند (بی، ۱۳۸۱: ۴۵۹). محقق از این مطلب استفاده کرده، تعداد خوشه را به ۵ افزوده و با داشتن ۵ منطقه شهری و انتخاب ۵ خانوار به ۲۵ نمونه کفایت کرده است.

شده‌اند و نقش آنها در عرصه‌های اقتصادی نادیده گرفته شده است، با افزایش سطح سواد و گسترش آموزش عالی به ارتقاء توانمندی‌های خود دست یافته و طالب سهم بیشتری از مدیریت خانواده و جامعه هستند و انتظار پایگاه و موقعیت‌های بالاتری را دارند، شاید آینده تغییرات اجتماعی را نتوان به استناد اطلاعات ناقص موجود، به یقین پیش‌بینی کرد. اما می‌توان در جامعه زنان یزدی همگرایی بیشتری در نگرش‌ها و دیدگاه‌های فرهنگی را انتظار داشت.

تغییرات اجتماعی اثرگذار روی تغییر نقش‌ها با توجه به شاخص‌های تغذیه، آموزش و سن ازدواج برای دختران یزدی ارزیابی شده است. اطلاعات موجود در سال ۷۰ سوء تغذیه موجود در بین دختران را دو برابر پسران گزارش داده است (شادی طلب، ۸۱: ۴۱) آمار موجود در سال ۵۵، سهم دختران دانش‌آموز را در مقطع متوسطه ۴۰٪ نشان می‌دهد. همین سهم در سال ۷۱ به ۴۴٪ افزایش یافته است و طبق سرشماری سال ۸۵، ۴۸٪ دختران یزدی در مقطع متوسطه تحصیل کرده‌اند (مرکز آمار ایران) با استناد به آمار و ارقام در طی این سال‌ها می‌توان فهمید که سهم پسران در همه سطوح از دختران بیشتر است. در کتب درسی قبل از انقلاب، تصاویر زنان بیشتر جنبه اقتصادی و اجتماعی داشت که در کتاب‌های بعد از انقلاب، جنبه اخلاقی و خانوادگی پیدا کرده است. تصاویر زنان با بالا رفتن سن بچه‌ها کم از کتاب‌ها حذف و به این ترتیب، طبق عقیده طرفداران نوسازی در دورانی که جامعه‌پذیری باید به بچه‌ها تلقین شود تا اجتماعی شوند، چیزی غیر از عدالت و برابری جنسیتی را به آنها القا می‌شود (شادی طلب، پیشین: ۴۶) و اما شاخص ازدواج یا هنجار اجتماعی ازدواج زنان یزدی و در کل زنان ایران در حال حرکت و انتقال بوده و طی ۳۶ سال از سال ۱۹۶۹ تا سال ۲۰۰۲، میانگین سن ازدواج برای زنان همواره افزایش یافته و از ۱۸/۴ سال به ۲۳/۴ سال رسیده است و این تغییر بین سال‌های ذکر شده برای مردان ۱/۲ سال بوده است. انتشارات تعلیمات متوسطه و عالی در بین زنان و افزایش میزان اشتغال به کار آنها از عوامل اساسی تغییر در وضعیت زناشویی زنان در ایران و در یزد شده است که افزایش میزان طلاق، مجرد قطعی و سهم زنان ازدواج نکرده بیانگر حرکت جامعه به سمت توسعه یافتگی است^۱. این حرکت به سمت توسعه یافتگی و ورود زن به مدرنیته، به برزخی برای او تبدیل شده است. آن هم به این دلیل ساده که هنوز زندگی در جامعه مدرن را تجربه نکرده‌اند؛ علاوه بر آن به جز موانع ساختاری، فشار سنت در خانواده‌ها روند پشت سر گذاشتن موقعیت برزخی زنان را کند و دشوارتر می‌سازد اما احتمالاً روند مدرنیته در ایران متفاوت از مسیر طی شده در غرب از برخی جهات خواهد بود چون در آن خودآگاهی زنان نسبت به مردان تقدم یافته است. به لحاظ تاریخی در غرب، مدرنیته نخست به تثبیت عقلانیتی مردانه منجر شد، اما در ایران، تلاش برای فردیت‌یابی زنان به یکی از اصلی‌ترین نیروهای محرکه برای رشد فرهنگ مدرن در جامعه بدل شده است و دو دلیل عمده آن را می‌توان در تشنگی جامعه ایرانی در استقبال از دموکراسی و گذار به مدرنیته و دیگری روند روبه رشد جهانی شدن و بهره‌جویی زنان ایرانی از دست‌آوردهای زنان دیگر نقاط جهان جستجو کرد. تحت چنین شرایطی زنان با تجربه‌اندوژی از انقلاب اسلامی با اشتیاق بیشتری به چالش علیه سنت و ایدئولوژی رسمی پرداختند (درویش پور، ۱۳۸۶: ۱۶).

مدرنیته (تجددگرایی) توانست روی شخصیت زن یزدی و کارکرد نقش اجتماعی او اثرگذار باشد. چون شخصیت هر فرد مطابق با نقش اجتماعی او در فرهنگی معین شکل می‌گیرد و جنسیت تنها یکی از عوامل تعیین کننده نقش اجتماعی است. از میان عوامل دیگر می‌توان به طبقه اجتماعی، پیش زمینه مذهبی، سن، نژاد، شغل، مناسبات خانوادگی، تربیت اولیه، امکانات پیشرفت، قرار دادها و سنت‌های اجتماعی اشاره کرد (نگاه زنان، ۷۷: ۸۳). اما گسترش نقش اجتماعی زنان در خانواده‌های یزدی آثار مختلفی می‌تواند برجا بگذارد که به طور خلاصه در زیر می‌آید:

الف) با تغییر نگرش زن نسبت به جایگاهش، نقش‌های زن در مشارکت‌های اجتماعی گسترش پیدا می‌کند.

ب) با ورود زن به اجتماع و برخورد با واقعیت‌های موجود در جامعه، زن خواسته‌هایش را تعدیل و در تلاش برای استفاده از تجربیات دیگران خواهد بود.

ج) با افزوده شدن اطلاعات زن در زمینه‌های فردی و اجتماعی با حضور در جامعه، این اطلاعات و آگاهی‌ها می‌تواند در نوع تعادل و ارتباط با همسر و ساخت زندگی و تنظیم خواسته‌های فردی و اجتماعی تاثیر داشته باشد.

د) حضور زنان در اجتماع، نقطه مشترک تعامل فکری برای زن و مرد ایجاد خواهد کرد.

ه) حضور اجتماعی زنان، استقلال در تصمیم‌گیری‌های فردی و خانوادگی و برنامه‌ریزی برای خود و خانواده را به جهت حضور و اشراف داشتن به محیط‌های اجتماعی میسر می‌کند.

و) گسترش نقش‌های زنان در جامعه، تحمل انتقادپذیری را در آنها افزایش می‌دهد چون با مسائل بیشتری برخورد کرده و به دنبال رفع آنها خواهند بود (بروجردی، ۱۳۸۱: ۱۹۴).

در خصوص تغییرات اقتصادی و تاثیر آن بر تغییر نقش اجتماعی زنان، اولین چیزی که به ذهن تداعی خواهد شد، اشتغال بانوان است. از کل شاغلان در کشور، حدود ۱۳٪ را زنان تشکیل می‌دهند این روند از سال ۱۳۳۵ تا به امروز، مرتب افزایش پیدا کرده است. به طوری که در سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰ جمعیت شاغل دو برابر شده است. اما آمار نشان می‌دهد که بعد از آن، تغییر ساختاری در جمعیت زنان شاغل در یزد نیفتاده است. در سال ۸۵، کمترین آمار مربوط به زنان صنعتگر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

تحقیقات حاکی از آن است: که اولین کسانی که از کار اخراج می‌شوند، زنها هستند و با سهمی هم که دانشجویان دختر در رشته‌های فنی و حرفه‌ای به خود اختصاص داده‌اند، مهارت‌های لازم را برای اشتغال در صنعت کسب نمی‌کنند. امکان تنوع شغلی برای زنان محدود است و اطلاعات موجود نشان می‌دهد که زنان یزدی در بخش دولتی در دو حوزه اجتماعی آموزش و پرورش و بهداشت متمرکزند، «هر چند تعداد زنان در بخش دولتی افزایش پیدا کرده است. باز هم در همین دو گروه شغلی بوده است» (شادی‌طلب، پیشین: ۴۸). مطلب دیگر حقوق زنان و مردان است که اگرچه در بدو استخدام حقوق مساوی دارند اما در طول ۳۰ سال خدمت، مردها با سرعت بیشتری نردبان ترقی را طی می‌کنند و از امتیازاتی چون حق عائله‌مندی، حق مسکن، بورس‌های تحصیلی و ... بهره‌مند می‌شوند و دریافتی آنها را نسبت به زنان بیشتر خواهد کرد. (همان: ۵۰)

تغییرات فرهنگی جامعه یزد را در آموزش زنان و تحولاتی که در این مقوله به وجود آورده، می‌توان بررسی کرد. با افزایش تعداد مدارس و آموزگاران، در ده سال اول انقلاب، دختران مدارس ابتدایی راه پیدا کردند: سیاست گسترش آموزش عالی نیز با افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها برای ارتقاء سطح آگاهی‌های بیشتر دختران فراهم آمد، اما هم زمان تلاش‌هایی برای جداسازی دانشگاه‌ها یا حداقل کلاس‌های دختران و تعیین رشته‌های تحصیلی بر اساس تعریف شغل مناسب برای زنان صورت گرفت. هر چند براساس قانون مصوب ۱۹۸۵ دختران از امکان ادامه تحصیل در خارج از کشور تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند محروم شدند و سیاست‌های استخدامی حذف‌کننده و انتخاب شغل و ... منتج به تناقض‌های ارزشی در یک دوره تاریخی قبل و بعد از انقلاب شد، اما امروز زنان یزدی برای تسلط آرمان‌های خود به کل جامعه تلاش می‌کنند، به طوری که امروزه رقابت و توانایی دختران در سطح ورود به دانشگاه بسیار بالا رفته است. وجود حداقل یک زن تحصیلکرده در هر خانواده، هنجارهایی را به آنها تزریق خواهد کرد که دگرگونی فرهنگی و تعدد نقش‌های زنان را امکان‌پذیر خواهد کرد.

در زمینه تغییرات فرهنگی به خانواده و تغییرات در نقش مادری و رفتارهای مذهبی زنان اشاره شده است. میزان تصمیم‌گیری مشارکتی (پدر و مادر با هم) در امور خانه در نظرسنجی سال ۵۳ بسیار اندک بود ولی امروز زنان در تصمیم‌گیری خانواده‌های تحصیل کرده دو برابر بیشتر از بقیه خانواده‌ها نقش داشته‌اند. (همان: ۱۲۷۲) طبق اطلاعات جامعه‌میدانی نیز چنین امری به وضوح قابل ملاحظه است. سن ازدواج دختران هر چند در سال‌های بعد از انقلاب کم شد و تشویق برای کم‌اهمیت جلوه دادن تنظیم خانواده موجبات آن را فراهم آورد که ایران با انفجار جمعیتی روبرو شود، اما این تغییرات نیز با کنش‌هایی از سوی زنان یزدی همراه بود، معاشرت قبل از ازدواج، گرایش به ازدواج با غیر فامیل، گرفتن حقوقی غیر آنچه در عقدنامه برای زنان آمده است و غیره همه نشان از آن دارد که امروزه حداقل یک سوم زنان حاضر نیستند مانند مادرانشان در هر شرایطی به زندگی کردن ادامه دهند. پس ارتقاء سطح آموزش باعث شده است که از قدرت انحصاری مردان کاسته شود از طرفی یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که دوران پدرسالاری در ایران رو به سپری شدن است و در مقابل این سوال که «در خانواده شما معمولاً چه کسی تصمیمات اصلی را می‌گیرد»، فقط ۳۵/۵٪ پاسخ داده‌اند «پدر»! (همان: ۲۷۷) امروزه دیگر حتی نقش مادری نیز به نقشی اجتماعی تبدیل شده است، تربیت فرزند امری خصوصی و خانوادگی نیست، دولت در تعیین تعداد فرزندان خانواده دخالت می‌کند. در جامعه‌ای مثل ایران، فرزندان دیگر مشاغل پدران خود را ادامه نمی‌دهند پس فرزند نه برای واحد تولید خانوادگی بلکه برای جامعه تربیت می‌شود (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

پس برای ارتقاء نقش مادری جامعه باید راهی بیابد که زنان - مادران در مرحله مادری فعال اولاً تحت فشار قرار نگیرند. ثانیاً حتی در همان مرحله، امکانات رسیدن به علایق و تمایلات و همچنین امکان پیشرفت در هر زمینه‌ای را که علاقه دارند، داشته باشند؛ تا دچار بحران‌های میان‌سالی نشوند. سپردن وظیفه مادری و ندیده گرفتن امتیازات اجتماعی زنان و مردان هم برای خودشان و هم برای جامعه مضر است، اما در ایران و رسانه‌های جمعی نقش قابل قبول برای یک زن را نقش مادری معرفی می‌کنند. (همان: ۱۱۱) اما دگرگونی در نقش زنان در اثر تغییرات گوناگون کاملاً محرز است اما اینکه آیا این

دگرگونی باعث بهبود موفقیت آنها در خانواده یا افزایش اقتدارشان شده، مورد تردید است که در سطور بعد نویسندگان در پاسخ به این سوال تلاش خواهند کرد! تغییر نگرش و هنجارهای جامعه نسبت به زنان یزدی در سال‌های اخیر را مورد بررسی قرار می‌دهند. در دهه دوم انقلاب با کاهش نفوذ رادیو، تلویزیون در سراسر کشور ۹۰٪ اعضای جامعه را به عنوان بینندگان خود داشته است. آزادسازی رسانه‌های غیررسمی در جامعه مثل ویدئو، ماهواره، اتصال به شبکه‌های اینترنت، فرهنگ ملی و خانوادگی را به داد و ستد با محیط جهانی کشانیده است (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۳۰). مجالس مذهبی زنان یزدی نیز به کارکردهای اقتصادی و سیاسی جدیدی دست یافته است؛ مثل تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه و «حتی بدون انگیزه‌های سیاسی، گاهی کارکردهای سیاسی نیز پیدا کرده است». (شادی‌طلب، پیشین: ۲۶۳) این موارد از تغییر زمینه‌های نقش فرهنگی زنان جامعه در طی سال‌های اخیر حکایت می‌کند و نشان از خود باوری زنان یزدی، اعلام آمادگی آنها برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و عرصه‌های مختلف زندگی است که اعلام صریح آن برای ورود به «عرصه عمومی» بوده است..

درباره تغییرات سیاسی جامعه ایران و تاثیر بر کارکردهای نقش اجتماعی زن در سالهای ۸۷-۱۳۴۵ می‌توان گفت: متناسب با تحولات پدید آمده در یزد همچون رشد شهرنشینی، افزایش سواد و تحصیلات عالی زنان، بالارفتن آگاهی نسبت به حقوق خود، افزایش آگاهی‌های سیاسی و افزایش ارتباطات و تعاملات بین‌المللی - که زمینه را برای تبادل اطلاعات و تجربیات در بین زنان جوامع مختلف فراهم کرده است - میزان مطالبات و تقاضای ورود زنان به «عرصه عمومی» به ویژه سطوح بالای فعالیت سیاسی افزایش یافته است. هر چند لازم به ذکر است که در آخرین دوره مجلس قبل از انقلاب ۲۰ نماینده زن در مجلس حضور داشتند و این سهم در دوره اول و دوم مجلس بعد از انقلاب، به ۱/۵٪ کاهش یافت (همان: ۲۷۳). مشارکت سیاسی زنان را می‌توان در سه دسته توده‌ای، سنتی و مدرن تقسیم‌بندی کرد. مشارکت توده‌ای و سنتی در جریان انقلاب، انتخابات ادواری، تظاهرات و جنگ تحمیلی نمود پیدا می‌کند. شرکت میلیونی زنان در واحدهای بسیج، فعالیتهای پشت جبهه، اعطای کمک‌های مالی و تشویق مادران و همسران برای اعزام مردان به جبهه از آن جمله است (دفتر نهاد امور زنان، ۱۳۷۴: ۱۰۰) اما مشارکت سیاسی مدرن در سطح نخبگان صورت می‌گیرد و در سه زمینه عضویت زنان در مجلس قانونگذاری، در سطوح بالای تصمیم‌گیری دولت و بخش خصوصی، مشارکت در فعالیتهای قوه قضائیه، ارائه می‌شود. پست مشاور رئیس‌جمهور در امور زنان، معاون رئیس‌جمهور در محیط زیست، بالاترین پست‌های زنان بعد از انقلاب در دولت بوده‌اند. هر چند مشارکت زنان به عنوان قاضی در اسلام پذیرفته نیست و زنان از قضاوت محروم هستند، اما زنان جهت مشاوره و قاضی تحقیق می‌توانند فعالیت کنند، همین امر باعث تغییر جدی در وضعیت زنان در این زمینه شده است. تجربه فعالیت زنان در سازمان‌های غیردولتی در توانمندسازی و افزایش خودباوری زنان نقش مهمی دارد. پس زنان با داشتن توان تجزیه و تحلیل و درک مسائل، می‌توانند شایستگی لازم جهت حضور در رده‌های بالای سیاسی را کسب کنند (لیوسی، ۱۳۸۳: ۱۱۲).

مشارکت سیاسی زنان یزدی تغییر نگرشهایی را در حقوق زنان - شهروندی، اجتماعی، قانونی - ایجاد می‌کند. زنان به عنوان شهروندان جامعه باید از حقوقی برابر با حقوق مردان به عنوان شهروند برخوردار

باشند و امر مشارکت آنها در امور سیاسی، نگرش‌های آنها را تغییر و تلاششان را برای پیگیری حقوقشان مداوم خواهد کرد.

برای بررسی روند عقلانی کارکرد نقش اجتماعی زنان یزدی، باید به مسیر حرکت تغییرات خانواده در جامعه جهانی، رفع نگرش‌های سنتی به زن در خانواده، عوامل و موانع مادی پیشرفت کارکرد نقش اجتماعی زنان در روند عقلانی توجه کرد. در جریان گذر جوامع از جامعه سنتی (پیش صنعتی) به جامعه مدرن (صنعتی)، نه فقط شیوه زندگی و تولید کالا دگرگون شد، بلکه تفکرات سنتی نیز که برای سالیان دراز بر زندگی افراد جامعه حاکم بود، تغییر کرد. تصویر انسان به عنوان موجودی آزاد، خلاق، تصمیم گیرنده و حتی تغییردهنده گسترش یافت. بهترین نهاد برای چنین تغییری، خانواده و مهم‌تر از آن زنان بودند. این تغییرهنوز هم تا حد زیادی تحت تاثیر نگرش خصوصی و عمومی است، در محدوده خصوصی (خانواده) نگرش عمومی بر پایه نابرابری میان دو جنس قرار دارد. مردان آگاه‌تر از زنان مطرح می‌شوند و زنان و فرزندان تحت سرپرستی و نظارت آنان هستند. زنان متأهل برای سفر، اشتغال، تحصیل، تعیین حق مسکن، وابسته به اجازه و رضایت همسران خود هستند، حتی حق برهم زدن رابطه زناشویی منحصر در اختیار مردان است. اما در حوزه عمومی آنچه برای زنان تبلیغ می‌شود، متفاوت و دارای گسستگی فرهنگی است. در حوزه عمومی افراد معتقدند که کلیه افراد جامعه مجموعه‌ای واحدند. تفاوتی میان زن و مرد در مسائل اجتماعی (مشارکت‌های اجتماعی) وجود ندارد. بارها و به کرات مسئولین، مقامات و افراد متخصص بر مشارکت‌های اجتماعی زنان در کلیه امور مملکتی تاکید می‌کنند و در بسیاری از سازمان‌های دولتی اقدام به تاسیس مراکز امور زنان در جهت افزایش مشارکت آنان کرده‌اند. (اعزازی، ۱۳۸۲: ۵۱۴). نکته قابل توجه آنکه، مدارس با وجود آنکه از طرفی سعی در سوادآموزی دختران دارند، از طرف دیگر تنها الگویی که به دختران محصل ارائه می‌دهند، الگوی مادری- همسری است. در معدود کتاب‌هایی که الگوی اشتغال دیده می‌شود، مشاغل معلمی و پرستاری مطرح می‌شوند (اعزازی، ۱۳۷۶: ۵۶). حتی در کتاب‌هایی که برای دختران دانش‌آموز دبیرستانی رشته فنی- حرفه‌ای وجود دارد تاکید بر مفاهیمی چون ازدواج زودرس، فرمان‌برداری از مرد و غیره ارائه می‌شود و این در حالی است که به مردان رفتارهای ارشادی در خانواده پیشنهاد می‌گردد که موضعی فعال به آنان خواهد داد. اگر در کتاب‌ها، مردان به عنوان مولد اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند، نقش اقتصادی زنان بیشتر در صرفه‌جویی در امور خانه مطرح شده و به آنان توصیه می‌شود که از توقعات بی‌جا و هزینه تراشی‌های مختلف خودداری کنند. (همان: ۵۱۸) خانواده یزدی و البته خانواده ایرانی که تبلیغ می‌شود، خانواده سنتی با کارکردهایی است که نظم اجتماعی را طلب می‌کند، اما باید توجه داشت که چنین تبلیغاتی با توجه به شرایط اجتماعی امروز نه تنها به ثبات اجتماعی کمک نمی‌کند که ناهنجاری متعددی را به وجود می‌آورد. مشکل اصلی این که هویت و موجودیت، تامین زندگی حال و آینده و اهمیت و اعتبار اجتماعی زنان از طریق رابطه با خانواده و در حوزه خصوصی تبلیغ می‌شود و مردان نه از طریق وابستگی‌های خانوادگی بلکه از طریق توانایی‌ها و قابلیت‌هایشان در جامعه- حوزه عمومی- دارای هویت و موجودیت و کسب پایگاه و نقش اجتماعی می‌گردند. هر چند زنان نیز قادر به کسب توانایی‌های مختلف هستند، اما نگرش جامعه به آنها تنها با ازدواج، تشکیل خانواده و ایفای نقش‌های خانگی تکمیل می‌شود. برای همین مراسم ازدواج دختران یزدی

نمایشگر پایگاه اجتماعی آینده دختر می‌شود و مراسم باید با هزینه فراوان، خریدهای گران قیمت و جهیزیه کامل انجام گیرد تا مشخص شود دختر جوان چه پایگاه خانوادگی به دست خواهد آورد. به این صورت است که مهریه‌های بالا پیشنهاد می‌شود و در این سیردیده می‌شود که مهم‌ترین نقش زن - مادری - متعلق به او نیست بلکه در اثر ایجاد رابطه وابستگی و از طریق مرد - پدر به او داده می‌شود.

با آنچه در بالا توصیف شد می‌توان به دو نوع نگرش موجود به زنان که همزمان تبلیغ می‌شود پی برد. هنجارهای جامعه مدرن شامل برابری، آزادی، تاکید بر فردیت و قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی است و در جامعه سنتی بر اساس نابرابری، قبول اقتدار، تاکید بر حفظ واحد خانواده به هر قیمت بدون توجه به قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی زنان صورت می‌گیرد. با توجه به آنکه شکل مطلوب خانواده بر برابری افراد با یکدیگر، بر همسرگزینی به علت تمایل و میل قلبی زوجین، بر محبت و صمیمیت موجود در خانواده، تصمیم‌گیری‌های مشارکتی و غیره استوار است. در صورت تبلیغ و آموزش، زنان جامعه هویت اجتماعی بالاتری کسب خواهند کرد و حتماً در جهت رشد خانواده مطلوب اثرگذار خواهند بود و با کم شدن تضادهای میان حوزه خصوصی و عمومی و تبلیغ برای خانواده مشارکتی عقلانی‌ترین راه برای درک بررسی لایه‌های فعال فراهم می‌شود! (میرشکریایی و ... "اعزازی"، ۱۳۸۲: ۵۲۷).

در مجموع عوامل و موانع مادی که بر سر راه گسترش کارکرد اجتماعی زنان در روند عقلانی وجود دارد را می‌توان در سه مورد بیان کرد:

الف) مناسبات بازار سنتی و سرمایه‌داری تجاری (ب) درآمدهای نفتی و استفاده ناصحیح از آن ج- غلبه فرهنگ دنیاگرایی و کسب آخرت در میان زنان دانست که البته این عوامل زمینه‌های موانع را در شهرهای دیگر و یزد فراهم آورده است.

مناسبات بازار سنتی و سلطه مناسبات و فرهنگ سوداگری، و نبود تولید و فرهنگ صنعتی، روابط خشونت بار دلالی را به وجود آورده است و زنان به روشنی ثابت کرده‌اند که در پیچیده‌ترین کارهای فنی و حتی سخت‌ترین کارهای کشاورزی قادرند همپای مردان کار کنند اما در عرصه روابط دلالی به دلیل ماهیت کار توأم با خشونت، قادر به همگامی با مردان نیستند، به دلیل همین شرایط ورود زنان ایرانی به بازار و جامعه صنعتی با زنان اروپایی بسیار متفاوت بوده است (احمدی خراسانی، ۱۳۸۲: ۷۶). عامل مهم دیگر درآمدهای نفتی ایران است که فرهنگ تولید و زمینه‌های آن را کم رنگ می‌کند، با نبود تولید گسترده صنعتی فرصت‌های شغلی نیز از زنان گرفته می‌شود در حالی که در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته، هیچ نیروی بالقوه‌ای کنار گذاشته نمی‌شود؛ حتی از نیروی کار ارزان زنان برای کسب سود استفاده می‌شود. عامل دیگر در جهت عقب نگه داشتن زنان از مشارکت فعال اقتصادی و اجتماعی، فرهنگ دیرینه "آخرت‌گرایی" و نگرش "منزه طلبی" است. فرهنگ "دنیاگرایی" باعث می‌شود که مردان از ورود زنان به جامعه و تلاش افزون‌تر اقتصادی آنان جلوگیری کنند و از سوی دیگر سبب می‌شود که زنان نیز به جایگاه خود و حوزه تنگ و محدود زندگی شان تمکین کنند و به هر آنچه که هستند و هر آنچه که دارند، راضی باشند (همان: ۸۰). به نظر می‌رسد جامعه زنان امروز ایرانی - که در گذرگاه سنت به مدرنیته هستند- ناگزیر نیاز به یک انقلاب و بینش عمومی نسبت به حقوق و جایگاه خود و محتاج نوزایی فرهنگی در همه ابعاد تفکر اجتماعی باشد.

دگرگونی‌های تاریخی صورت گرفته، روی تغییرات نقش اجتماعی زنان و تنوع آن بسیار دخیل بوده است، آغاز تحولات در تنوع نقش زنان دربار- با توجه به سال‌های مورد تاکید این مقاله- شرکت اشرف پهلوی در خرداد ۴۲ در کنفرانس زنان واشنگتن و راه یابی ۶ نماینده زن به مجلس شورای ملی و ۲ نفر به مجلس سنا است. در عصر پهلوی این تحولات با کسب حق رأی و تصویب قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۴۶، ادامه پیدا کرد. تأسیس سازمان زنان ایران در سال ۱۳۴۹ و اصلاح قانون حمایت از خانواده در سال ۵۳ از موارد دیگری بودند که دخالت‌های دولت و مراجع رسمی دولت در وضعیت زنان را نشان می‌داد. در سال‌های پایانی دهه ۵۰ تا سال‌های پایانی دهه ۶۰ زنان تحت تاثیر فرهنگ انقلاب، در کنار مردان به ایفای نقش در دفاع مقدس پرداختند. انقلاب، زنان ما را به سوی خودباوری سوق داد، شخصیت و هویت تازه‌ای به زن ایرانی بخشید. اما باید گفت هر چند در طول دگرگونی‌های صورت گرفته در ایران، زنان کنار مردان بوده‌اند اما هیچ‌گاه پویش جمعی آنها در شکل یک جنبش مستقل نبوده است (جلایی پور، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

بعد از انقلاب و در دهه ۷۰ و سال‌های پایانی دهه ۷۰، گفتمان فمینیستی شکل گرفت؛ گفتمان‌هایی که شرایط رشد آنها در جامعه احساسی ایران آماده بود. این گفتمان از حقوق و موقعیت برابر زنان و مردان دفاع می‌کرد و خانواده مردسالار را به کناری می‌نهاد. تشکل‌های زنان گسترش پیدا کرد، ۲۳۰ انجمن زنان (NGO) شکل گرفته در دهه ۷۰ نشان گسترش آموزش و بالا رفتن سطح سواد زنان می‌باشد. آمار مقایسه‌ای نشان می‌دهد که اگر در سال ۱۳۵۷ حدود ۳۰٪ دانشجویان را دختران تشکیل می‌دادند، در سال ۸۷ تعداد آنها به ۶۷٪ افزوده شده است (مرکز آمار ایران). با این تفاسیر تغییرات در نقش زنان ناشی از الزام جامعه جدید است. افزایش اشتغال زنان، بالاتر رفتن سطح آموزشی آنان، تغییر تصور زنان نسبت به خودشان، تغییرات حقوقی در مورد زنان نشان‌دهنده اهمیت این تغییرات است (عبدی، گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۳۳).

ب) اطلاعات تحقیق در قسمت میدانی نشان می‌دهد که جامعه آماری موردنظر، ۲۵ نفر از زنان یزدی می‌باشند. در رابطه با سوال اول، با توجه به شاخص‌های ارائه شده، همان‌گونه که در قبل اشاره شد، تحصیلات زنان یزدی در حال بالارفتن است. اما میزان مطالعه زنان کم ارزیابی شده است. اغلب زنان جامعه میدانی تغییر نقش‌های زنان را در کتب مختلف، مثبت و مفید می‌دانند. همه زنان تحصیلات را در تربیت فرزندانشان موثر دانسته‌اند. آنها با باور نقش‌های خود، تعلیم و تربیت رسمی جامعه را تحت تاثیر قرار داده‌اند، نقش پنهان زنان در بالابردن کیفیت و کارایی تعلیم و تربیت در نظرات زنان جامعه میدانی به خوبی مشهود است. زنان در الفا ارزش‌ها، تاریخ، فرهنگ، دادن اطلاعات دینی و مذهبی به فرزندان و آگاه ساختن آنها نسبت به مسائل اجتماعی و روابط انسانی موثر هستند. درباره سوال دوم، در بخش آموزش‌های رسمی نیز این زنان هستند که نقش کمک‌باری را به عهده گرفتند، این آموزش‌ها انفرادی و مستقیم است و همراه با عشق و محبت مادرانه که بسیار ثمربخش است. در واقع زنان با استفاده از تغییر و دگرگونی که در کل جهان در تجلی حضور زنان می‌بینند، سعی در بالابردن تحصیلات خود و قبول نقش‌هایی متعدد در جهت آموزش فرزندانشان دارند. از نظر بلومر انسان‌ها برپایه تفسیر از موقعیت، معانی و نمادهایی را در کنش‌هایشان جلوه‌گر می‌سازند (ریترز،

پیشین: ۲۸۱) زنان خود را با نیازهای علمی جدید تطبیق داده و سعی کرده‌اند تا پاسخی برای نیازهای خود پیدا کنند. رشد نمودار آموزشی زنان، نشان از قوی‌ترین نیروی تعلیم‌پذیر جامعه است. این یک کنش متقابل نمادین است. طرز تفکر زنان در باور توانایی‌هایشان به سوی خردگرایی سوق پیدا کرده است. درباره سوال سوم، زنان باور کرده‌اند که حضورشان به لحاظ اقتصادی، گام‌های بلندی در تقویت کارکردهای خودشان برای خانواده در پی خواهد داشت، اما تعداد کمی از زنان (مورد پژوهش) از مهارت‌های خود برای کسب درآمد استفاده کرده‌اند، آنگونه که در اطلاعات و یافته‌های اسنادی اشاره شد زنان تنوع شغلی نداشته و سهم اشتغال زنان همچنان ثابت مانده است. راجع به شناخت هویت زنان یزدی که در سوال چهارم مطرح شده از جامعه آماری شاخص‌هایی چون حقوق زنان، فعالیت‌های اجتماعی و ویژگی‌ها و خصوصیات فردیشان در نظر گرفته شده است. زنان یزدی با اینکه شرایط حقوق قضایی خود را مناسب ارزیابی نکرده‌اند اما هویت خویش را بیش از پیش درک کرده‌اند. زنان از حقوق خود به طور کامل مطلع نیستند و نیاز به تبلیغات در رسانه‌های جمعی برای آگاهی یافتن از حقوق زنان احساس می‌شود، اما آنها از وضعیت حقوقی خود- تا جایی که از آن مطلعند- ناراضی هستند زیرا معتقدند: «قانون نویس‌ها مرد بوده و نفع مردان را در نظر گرفته‌اند». اکثر زنان مورد پژوهش از قانون حضانت فرزند ناراضی هستند و آن را ذکر می‌کنند. زنان مورد مطالعه از سن ازدواج خود راضی بوده و این نشان حق تصمیم‌گیری است که به این نسل از زنان داده شده است. آنها ازدواج را سبب کسب منزلت و هویت اجتماعی نمی‌دانند. در رتبه‌بندی که برای کسب هویت اجتماعی در نظر گرفته شده ابتدا تحصیلات و بعد شغل، ازدواج و داشتن فرزند را قرار داده‌اند، اعتماد به نفس زنان توسط خودشان متوسط ارزیابی شده و به نیروی فکری خود اعتقاد دارند اما حس نیاز به مشورت و رابطه با دیگران را نیز ذکر کرده‌اند. زن‌ها به تغییر نقش‌ها و تنوع نقش‌های خودشان معتقد بوده و می‌گویند: «حرکت و توسعه جهان» سبب چنین امری شده است. مدیریت خانه اکثراً به عهده زنان است و بیشتر آنها ارتباط با غربیه را بیش از فامیل می‌پسندند (ارتباط زیاد از حد را رد کرده‌اند) زنان مورد مطالعه آداب و رسوم و سنت‌ها را تا حدی که خرافات نباشد، اجرا می‌کنند. تقریباً نیمی از زنان می‌گویند که توانایی رد کردن سنت‌های غیرقابل دفاع را ندارند و وقتی در جمع قرار می‌گیرند آن را اجرا می‌کنند. بیش از نیمی از آنان در جلسات روضه و مولودی شرکت کرده و استفاده معنوی از جلسات را در صدر کارهای خود قرار داده‌اند و کارکردهای دیگری چون «صله رحم»، «دید و بازدید» و «کمک‌های خیریه» را در این زمینه عنوان کرده‌اند. مورد دیگر اینکه معنای مشترکی که اکثر افراد جامعه از کلمه «زن» یا «خانه‌داری و شوهرداری» دارند، این وظیفه را در نظرشان ملزم کرده است. این معنای مشترک که جامعه از اختیارات مرد ساخته، زنان را به تحمل خشونت مردان واداشته و میزان مخالفت آنها را با مواردی که اصلاً قبول ندارند بسیار محدود کرده است. زنان برای حفظ بنیان خانوادگی خود و جلوگیری از جنجال‌های عصبی خانوادگی، سکوت کرده‌اند و با اینکه بیشترشان تحصیلات را سبب هویت اجتماعی می‌دانند، تنها نیمی از آنها در مقطع تحصیلی بالای دیپلم تحصیلات را ادامه داده‌اند، این نظرات با استفاده از نظریه هومنز که «انسان آگاه کنش‌هایی را اتخاذ می‌کند که سودآورتر باشد» قابل توضیح است؛ یعنی اگر زن بداند که مقابله به مثل با رفتار خشن شوهرش زندگی را از هم خواهد پاشید، چنین عمل نخواهد کرد. پس نوع باور و گرایش زنان تحت تاثیر سود و زیان آنهاست.

در اینجا می توان به سوال پنجم در رابطه با خرد گرایی زنان و حرکت فعالانه آنها اشاره کرد؛ یعنی زنان طبق نظر پارسونز در حال حرکت به سمت خردگرایی هستند، زیرا ددرسره‌های ارتباط با فامیل را نمی‌پسندند؛ از جهتی کنش آنها را نمایش می‌دهد. از نظر جامعه‌شناسان، اشخاص نقش‌های خود را مطابق انتظارات جامعه ایفا می‌کنند و در انجام امور مربوط به خود روشی را در پیش می‌گیرند که خواست نظام اجتماعی در آن منظور شده باشد. انتظارات افراد از عامل نقش نیز بر اساس الگوهای تثبیت شده فرهنگی قرار گرفته و در واقع، فرهنگ راهنمای عمل اجتماعی بوده و کنش فرد را مطابق با ارزش‌های اجتماعی شکل می‌دهند. پس انجام وظایف نقش‌ها به چند عامل زیر وابسته است: (۱) انتظارات متقابل میان عامل‌ها (۲) ارزش‌های هنجاری بر رفتار عامل‌ها (۳) ضمانت اجرایی و یا پاداش و تنبیهی که افراد از آن بهره‌مند می‌گردند.

با توجه به نتایج به دست آمده از جامعه میدانی پژوهش باید گفت: زنان از لحاظ طبیعی، موجودات احساسی نیستند، بلکه شرایط اجتماعی آنها را چنین تربیت می‌کند. موارد ۱ و ۲ بیان شده در فوق را نهاد دین و نهادهای حقوقی- اقتصادی و سیاسی مراقبت می‌کنند. نهاد دین ثبات اخلاقی، نهاد حقوقی، هنجارها، نهاد اقتصاد شرایط انطباق با محیط طبیعی و نهاد سیاسی، مراقبت از هدف‌های عمومی را دنبال می‌کنند اما ضمانت اجرایی وقتی است که زنان نقش‌های زنانه را با شرکت فعالانه در زندگی اجتماعی کنار می‌گذارند و نه تنها از طریق سیستم اجتماعی تشویق نمی‌شوند که در داخل جامعه زنان نیز مورد حمایت قرار نمی‌گیرند. پس عدم تقویت روحیه ابتکار و خلاقیت و عدم رشد روحیه اعتماد به نفس، ترویج روحیه تسلیم و سازش، عدم استقبال از ماجراجویی، ریسک‌پذیری، نوجویی و نوآفرینی و تشویق به تمکین و سازش موجبات عدم آمادگی زنان را برای پذیرش مسئولیت‌های اجرایی فراهم آورده است.

با همه آنچه در بالا مطرح شد، در جامعه میدانی حاضر، زنان در خانه‌هایشان رایانه دارند و وسایل ارتباطی اکثر آنها کامل است. در حد متوسط با زبان انگلیسی آشنایند و تقریباً بیشتر زنان در انتخاب سریال‌ها و فیلم‌های هفتگی خانواده‌هایشان موثرند. از این رو اکثر زنان معتقدند که انگیزه به پیشرفت را خودشان به فرزندان شان منتقل می‌کنند و هر چند پیشرفت و تحصیلات را ویژه جنس خاصی نمی‌دانند اما به توانایی زن در پذیرفتن مسئولیت شوهرداری، خانه‌داری و نقش مادری همراه با تحصیلات اقرار می‌کنند. زنان جامعه میدانی از "نبود صمیمیت" و "کم شدن احترام" در خانواده‌های امروزی شان گله داشته و به "صاحب عقیده شدن خودشان" در خانواده و "تاثیرات آنها روی افراد خانواده" در جهت مثبت اشاره می‌کنند. زنان یزدی نگران از دست رفتن فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و اصول بومی‌شان هستند. پوشش‌های امروزی اکثر زنان را نقد کرده و معتقدند که این چنین پوششی جز تهاجم فرهنگی و نفوذ ماهواره چیز دیگری نیست. زنان مورد مطالعه در حین اشاره به تغییر ارزش‌ها، به حفظ اصالت و القا بالاترین هویت ایرانی به فرزندان‌شان اشاره کرده‌اند. زنان یزدی به تغییرات فرهنگ تغذیه‌ای معتقدند اما اکثر آنها می‌گویند که تحت تاثیر فرزندان‌شان به غذاهای بیرون گرایش پیدا کرده‌اند و نزدیک به نیمی از آنان اظهار کرده‌اند، که برای بالابردن ارزش تغذیه‌ای غذاهای فرنگی، سعی در تهیه آن در منزل دارند. اما نکته قابل اشاره آن که یک سوم زنان به تغذیه شوهران شان بیش از خودشان اهمیت می‌دهند. به تغذیه دختران شان به جهت مشکلات جسمی دختران اهمیت بیشتری می‌دهند. بیشتر زنان با اینکه به ورزش علاقه‌مند هستند

اما با ناراحتی می‌گویند که "ورزش در برنامه‌شان نیست" و کمبود سالن‌های ورزشی زنان دیده می‌شود. در نتیجه‌گیری آنچه در بالا گفته شد می‌توان به نظر بلومر اشاره کرد که او به تفسیر انسان‌ها از موقعیت اهمیت می‌دهد. زنان تحت تاثیر شرایط متغیر اجتماعی و دگرگونی‌های پدید آمده در افکار مردم، تصمیم به کنش گرفته‌اند. در این کنش پیوسته، ردپای احساسات زنان جلوه گر بوده و ارزش‌های اخلاقی برای زنان مهم ارزیابی شده است. در این زمینه می‌توان به اصالت زن یزدی در جلوه‌های معنوی حضورشان در شهر اشاره کرد. زنان یزدی معتقدند: احیاء باورها و اصولشان نوعی سنگربندی فکری و فرهنگی پویاست. آنها به هیچ عنوان حاضر به ترک این سنگر نیستند. از سوی دیگر باید به جهت‌گیری جمعی (مطابق متغیر الگویی پارسونز) اشاره کرد. این که کنترل فرزندان و مدیریت خانه به زنان سپرده شده است و اکثر زنان برای رفتن فرزندانشان به کشورهای خارج مانعی ندیده و به «حفظ هویت» اشاره کرده‌اند و از طرفی فرهنگ تغذیه را تحت تاثیر مدرنیته شدن صنایع غذایی می‌دانند و سعی در کنترل آن دارند، حرکت به سمت جهت‌گیری جمعی را نشان می‌دهد. زمینه تحول سیاسی مطابق با سوال ششم و نظرات جامعه میدانی حاضر این چنین برآورد شده است که: زنان علاقه‌مند به سیاست نیستند اما در انتخابات شرکت می‌کنند هر چند عده‌ای آمدنشان را مشروط به نوع تفکر کاندیداها دانستند و عده‌ای از زنان از سوء استفاده شدن از رای شان سخن گفته‌اند. نزدیک به نیمی از زنان پیگیر اخبار روزنامه و غیره بوده و در انتخابات مستقل عمل نموده و حتی روی خانواده‌هایشان اثرگذار هستند. حضور زنان یزدی در انجمن‌ها در حد بسیار ناچیزی است و اکثر زن‌ها آن را به جهت نداشتن تبلیغات و نبودن تشکل‌های زنان می‌دانند و البته بیشتر آنها معتقدند که حضور در انجمن‌ها، درک اجتماعی و شعورشان را افزایش خواهد داد. طبق دیدگاه بلومر، نظر به این که: «هیچ گاه نمی‌توان چیزی را در جهان یافت که قابل معنا و اشاره نباشد» (تنهایی، پیشین: ۴۴۶) و اینکه «معانی مشترکی که مردم در جلوه‌های حیات اجتماعی خویش بر آن توافق کرده‌اند موجب می‌شود که سلسله خطوط کنش خویش را آن چنان تنظیم و متناسب با یکدیگر کنند که میان کنش همگی آنها یکنواختی و همناوختی حاصل شود.» (همان: ۴۷۹) از نظر نویسندگان، زنان در کارکرد سیاسی خویش معانی مشترک یکسانی پیدا کرده‌اند و مینا و شالوده‌های رفتار اجتماعی شان منظم و بنیان شده است. در واقع محتوای این شکل ساختی که فرهنگ نامیده می‌شود (همان) نشان از فرهنگ سیاسی و منظم و تکرارپذیر زنان است. از نظر پارسونز نیز، آنچه با کنش جلوه گر می‌شود، در مناسبات متقابل با جامعه ایجاد می‌شود (ریترز، پیشین: ۲۴۰) بنا به اعتقاد او قانون «کنش» و عمل ارادی بدین معنی است که انسان می‌تواند از راه‌های متفاوتی که وجود دارد، بنا به سلیقه خود، دست به انتخاب بزند. آنچه در این گزینش مهم است، نوع و میزان اثرگذاری این انتخاب در کل سیستم است. (همان). واضح است که زنان با «حضورشان در انتخابات»، «مطالعه روزنامه و اخبار»، «جنسیتی ندانستن کار سیاست»، «ناراحت بودن از این که چرا زن یزدی به نمایندگی مجلس نرسیده است» و در عین حال «تعصب نداشتن نسبت به کاندیدای زن» فرایندکنش عقلانی طی شده را اعلام کرده‌اند. حضور سیاسی زنان در سطوح مختلف همچون شرکت در راهپیمایی‌ها، حضور در پای صندوق رأی، شرکت در بسیج، حمایت یا انتقاد از سیاست‌های رسمی دولت، فعالیت در احزاب و تشکل‌های سیاسی، شرکت فعال در

مباحث سیاسی، حضور فعال در مطبوعات، کاندیداتوری و نمایندگی مجلس، حضور زنان در هیئت دولت، حضورشان در شورای شهر و روستا و غیره از مصادیق آشکار مشارکت و نقش سیاسی زنان است.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی و تبیین تغییرات و تحولات کارکردی نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد (۱۳۸۷-۱۳۴۵) تدوین شده است. براساس یافته‌های تحقیق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تغییر در نقش اجتماعی زنان به جهت شهرنشینی حاصل شده است. امکان یافتن شغلی خارج از خانه و ضمن آن آزادی‌های موجود برای زنان قبل و بعد از ازدواج دیده می‌شود. حداقل در واحد مصرف خانواده سنتی بخشی از بودجه در اختیار زن است و در مراقبت و آموزش فرزندان خود از آزادی زیادی برخوردار است. این تغییرات کارکردی نقش اجتماعی زنان به صورت آشکار و پنهان در مواردی چون آموزش، اقتصاد، حقوق، سیاست، تشخیص و القای هویت اجتماعی دیده می‌شود. تغییرات کارکردی نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد و در کل ایران از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۷ کاملاً واضح است. تعداد معدودی از مردان سیاسی در ساخت قدرت، حاضر به دعوت از زنان برای پیوستن به آنها نمی‌باشند. اما زنان در کل جهان، در حرکت به سوی زنجیره برابری، جهت‌گیری رو به بالایی دارند. تعداد قابل توجهی از زنان شاغل ایران در حرفه وکالت، تجارت، پزشکی، دامپزشکی و غیره مشغولند، این در حالی است که زنان نه مغز خود را بزرگتر کرده‌اند و نه استدلالشان از سمت چپ مغز به سمت راست مغز جا به جا شده است و از ناهید به مریخ هم نرفته‌اند، بلکه بیشتر، این را آموخته‌اند که می‌توانند به تحصیلات بالاتر و مشاغل مناسب مدارج تحصیلی‌شان دست یابند. مشکل دیگر، صلاحیت نیست بلکه، ارتقاء و حضور در شبکه‌های اطلاعاتی است که منجر به مدارج بالاتر می‌شود، همین امر باعث بالا رفتن نقش اجتماعی زنان شده است. گروه‌های کوچک مردان شاید با خاموش و فرونشاندن توانایی‌های بالقوه زنان در بیشتر کردن نقش‌هایشان، کامیاب شوند، اما ملت‌های موفق، از مشارکت همه جانبه زنان و توان تولیدکنندگی آنان در جامعه برخوردار هستند. جوامع احتمالاً با موفقیت‌های بیشتری روبرو خواهند شد اگر واقعاً درها به روی زنان گشوده شوند. برای زنان در رقابت با مردان سعادتی وجود ندارد. راه حل در نگاهی نو به اساس و اصول است: نگاهی که زنان و مردان در آن با یکدیگر سهیم باشند، نگاهی که زنان به جای آن که نقاب مردانه بزنند و در عرصه‌های اجتماعی کسب قدرت به رقابت با همسران‌شان بپردازند. به وظایف و نقش‌های ارزشمند خود بپردازند و به توانایی‌های آنها بها داده شود. باید مشارکت، ویژگی بارز جامعه ایرانی باشد و آن گاه ارزش‌های والای دیگر هم در جامعه، جایگاه خود را احراز خواهند کرد و قدرت نه محوری‌ترین ارزش که تنها یکی از ارزش‌های حاکم بر جامعه خواهد بود و در آن صورت به تعادلی مطلوب در ابعاد مختلف در جامعه خویش نائل خواهیم شد. اما اقداماتی که در چند سال اخیر انجام شده است تابلویی نامناسب از جایگاه زنان ایرانی که در حال بهبود بود را نشان می‌دهد:

* زنان مدیر از عرصه مدیریت نباید حذف شوند بلکه باید حوزه مدیریت جامعه در سطح خرد و کلان را در اختیارشان قرار می‌دادیم، مسلم اینکه زنانی که در جامعه میدانی پژوهش حاضر، اقرار به مدیریت خانواده‌های خویش دارند به احتمال زیاد می‌توانستند قابلیت‌های مدیریتی خود را ثابت کنند.

* قوانین و مقررات مربوط به زنان، حمایت کننده آنها نبوده است و همین امر نگرانی‌های زنان را بیشتر کرده است.

- * زنان نواندیش باید امکان طرح مسائل زنان در فضایی علمی و نقادانه را داشته باشند.
- * فضاهای تفریحی و ورزشی محدود است و زنان امکان حضور فعال در مراکز تفریحی را ندارند.
- * زمینه‌های قانونی کردن نقش مادری و سایر نقش‌های زنان را باید پیگیری کرد.
- * آنچه که سبب شده تا در رویارویی سنت و مدرنیته به زنان فشار آورد را باید بررسی کرد.

منابع

- اعزازی، شهلا، جامعه‌شناسی خانواده، تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶.
- احمدی خراسانی، نوشین، زنان زیر سایه پدر خوانده ها، تهران: توسعه، ۱۳۸۱.
- بروجردی، اشرف، ۱۳۸۱، زنان، مشارکت و برنامه‌ریزی، تهران: مرکز امور مشارکت زنان، جلد دوم، ۱۳۸۱.
- تنهایی، ح.ا، نکته، جواد، شیوه تنظیم و نگارش رساله، اراک: ذره بین، ۱۳۷۵.
- تنهایی، ح.ا، در آمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: مرنديز، ۱۳۷۹.
- توسلی، غ، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- جلالی‌پور، حمید رضا، ۱۳۸۱، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی در ایران با تاکید بر جنبش دوم خرداد، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱.
- حافظیان، محمد حسین، زنان و انقلاب، داستان ناگفته، تهران: اندیشه برتر، ۱۳۸۱.
- حسن زاده، علیرضا، میرشکرایی، حسن، زن و فرهنگ «مجموعه مقالات»، تهران: پژوهشگاه مردم‌شناسی و نشر نی، ۱۳۸۲.
- دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، زن، علم، صنعت و توسعه «مجموعه مقالات کنگره نقش زن در علم، صنعت و توسعه»، تهران: ۱۳۷۴.
- ریتزر، ج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۸۱.
- ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۱.
- شادی طلب، ژاله، توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: قطره، ۱۳۸۱.
- عبدی، ع، گودرزی، تحولات فرهنگی در ایران، تهران: روش، ۱۳۷۸.
- لیوسی، نرگس، بررسی اثرات مشارکت سیاسی زنان در جامعه ایران، پایان‌نامه ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۸۳.
- محسنی، منوچهر، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران: م پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۹.
- مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵-۱۳۴۵-۱۳۶۰-۱۳۷۰-۱۳۸۰.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۷۹، ویژگی‌های اقتصادی زنان در ایران (۷۵-۱۳۶۵)، تهران.
- مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، زن و مشارکت سیاسی - اجتماعی، تهران: برگ زیتون، ۱۳۸۰.